

## فرهنگ آوایی فارسی (معرفی یک پژوهش)

گیتی دیهیم

تدوین فرهنگ آوایی کار تازه‌ای نیست و حداقل می‌دانیم که در کشورهای اروپایی زبان‌شناس انگلیسی، دانیل جونز، پیشقدم آن بوده و در سال ۱۹۱۷ فرهنگ تلفظ انگلیسی (*English Pronouncing Dictionary*) را تهیه کرده است. چند زبان‌شناس فرانسوی هم از آغاز قرن بیستم، دست به تدوین چنین فرهنگهایی برای زبان فرانسه زده‌اند که از میان آنان می‌توان از پل‌پاسی و هرمان میسالیس، و فرهنگ آوایی زبان فرانسه (*Dictionnaire phonétique de la langue française* هانور، ۱۹۲۴)، و همچنین از آلفرد باربو و امیل رود، و فرهنگ آوایی زبان فرانسه (استکهلهم، ۱۹۳۰) نام برد.

در دنباله کار ایشان و با استفاده از دستاوردهای زبان‌شناسی نوین، زبان‌شناس فرانسوی، آندره مارتینه، در حدود دو دهه پیش دست به تدوین فرهنگی آوایی زد و با همکاری شاگردش، هانریت والتر، فرهنگ تلفظ واقعی فرانسه (*Dictionnaire de la prononciation française dans son usage réel*، پاریس، ۱۹۷۳) را در دسترس فرانسویان علاقه‌مند و خارجی‌ان فرانسه‌دان و فرانسه‌خوان قرار داد.

تفاوت کار و دید مارتینه، آن‌طور که خود می‌گوید، با پیشینیانش این است که «آنها گمان می‌کردند که به غیر از موارد بسیار استثنایی، هر کلمه فرانسه فقط و فقط یک تلفظ صحیح دارد که تمام فرانسویان تحصیل کرده قسمت اعظم شمال فرانسه آن را به‌کار می‌برند. بنابراین، چنین نتیجه می‌گرفتند که هر

۱. تلفظ اهالی شهرهای شمال فرانسه با شهرهای جنوبی، هم از نظر آوایی و هم از نظر واجی، بسیار تفاوت دارد. تلفظ شمال فرانسه به تلفظ پاریسی که از قرن‌ها پیش مورد تقلید بوده نزدیکتر است. فرانسویان معمولاً از تلفظ شهرهای جنوبی با خنده و شوخی حرف می‌زنند.

مؤلف فرهنگ آوایی فرانسه که خود را تحصیل کرده می‌داند و از مردم بخش جنوبی فرانسه هم نیست می‌تواند تلفظ خود را به‌عنوان نمونه پیشنهاد کند» (مارتینه، ۱۹۷۳: ۹). اما انجام چند نظرخواهی از فرانسویان از سال ۱۹۴۱ به بعد به‌خوبی نشان داد که فرانسویان تحصیل کرده شمال فرانسه تلفظ واحد ندارند و حتی در بین پارسی‌ها هم از نظر تلفظی اختلافات بسیاری به چشم می‌خورد. «اما در عین حال، تمام این تلفظها را نمی‌توان به‌عنوان تلفظ پسندیده توصیه کرد... تلفظ قابل توصیه را معمولاً تلفظ اشخاصی می‌دانند که در جامعه از بیشترین اعتبار و وجه برخوردارند» (همان). مارتینه در جای دیگر می‌گوید: «پژوهشهایی که از چند دهه پیش در فرانسه انجام شده نشان می‌دهد که وحدت تلفظ زبان فرانسه خیال باطلی بیش نیست و به‌هیچ‌وجه با واقعیت وفق نمی‌دهد. در بین افراد هر طبقه یا گروه اجتماعی که تلفظ آن قابل تقلید شناخته شده باشد تفاوت‌های چنان عمده‌ای به چشم می‌خورد که به‌هیچ‌وجه نمی‌توان تلفظ یک شخص واحد را نمونه تلقی کرد... اگر برای هر کلمه فقط یک تلفظ پسندیده پیشنهاد کنیم باعث می‌شود افرادی که مشاهده می‌کنند تلفظشان با نمونه ارائه شده تفاوت دارد اعتماد به نفس خود را از دست بدهند و تلفظ خود را ناپسند بدانند، و یا آنکه به اشخاصی که از خود مطمئن نیستند این فکر را القا کند که باید تلفظ خود را - که کاملاً قابل قبول است - تغییر دهند. بنابراین تنها راه هم علمی و هم درستکارانه این است که اختلافات تلفظی افراد گروهی را که تلفظشان به‌عنوان پسندیده انتخاب شده مشخص کرد» (همان)، و به‌عنوان نمونه‌های پسندیده عرضه نمود.

به‌گمان نگارنده، این راه، عملی‌ترین و واقع بینانه‌ترین روش برای حل مسئله ظریف تلفظ پسندیده و قابل تقلید در دنیای امروزی است. این روش، در عین اینکه از پشتوانه تجربیات گذشته دانشمندان اروپایی در این زمینه بهره می‌گیرد، توجهی خاص به مقتضیات جوامع و زندگی امروز مبذول می‌دارد که می‌توان آن را از مهمترین ویژگیهای آن دانست.<sup>۱</sup>

نگارنده که از سالها پیش - بخصوص در اثر شنیدن تلفظهای متداول در رادیو و تلویزیون - به مسئله تلفظ در زبان فارسی توجه کرده و به آن علاقه‌مند شده بود در حدود هفت سال پیش به فکر افتاد که با استفاده از روش مارتینه، فرهنگی آوایی تهیه کند که در عین به‌دست دادن تلفظهای امروزی کلمات، موجب شود که احتمالاً مباحثات مربوط به تلفظ و زبان معیار جانی تازه بگیرد. برای اجرای این کار ابتدا با تفحص در فرهنگهای معین، دهخدا، لازار، عمید و چند فرهنگ دیگر در حدود ۵۰۰۰ واژه بیرون کشیده شد که براساس اطلاعات زبانی نگارنده و یا با

۱. در کشور فرانسه توجه به مسئله زبان و تلفظ آن از قرن هفدهم باب شد، و حتی اقداماتی برای کنترل جنبه‌های مختلف زبان انجام گرفت. در قرن بیستم کتابهای متعددی در توصیف تلفظ پارسی به‌جاب رسید، ولی تا حدود چهل سال پیش همه این کتابها تلفظ افراد خانواده‌های اشرافی و ثروتمند پارسی را به‌عنوان نمونه پیشنهاد می‌کردند، و برای هر واژه هم فقط یک تلفظ ارائه می‌شد.

مقایسه تلفظهای ضبط شده آنها در فرهنگهای مختلف مشخص شد که به دو صورت و یا احتمالاً بیشتر تلفظ می‌شوند. در این مرحله از کار به نظر رسید که کار بررسی تلفظهای زبان فارسی در صورتی کامل و قطعی خواهد بود که تمام واژه‌هایی را هم که مصوت‌هایشان نوشته نمی‌شود وارد بحث کرد، اما اگر می‌خواستیم که تمام این کلمات را مورد نظرخواهی قرار دهیم دامنه کار بسیار گسترده می‌شد. از این رو به توصیه متخصصان آمار، هزار کلمه از این دست به طور اتفاقی انتخاب شد و مورد نظرخواهی قرار گرفت.

نگارنده این ۶۰۰۰ واژه را که هر یک روی برگه‌ای ضبط شده بود به چند تن از دانشجویان خود سپرد که برای هر کدام جمله‌ای بسازند. منظور از جا دادن واژه‌ها در داخل جمله این بود که این کار به طبعی تلفظ شدن واژه‌ها کمک کند. در واقع، کلمات در داخل جمله معنی صحیح و دقیق خود را می‌یابند، زیرا هنگام سخن گفتن جمله به کار می‌رود نه کلمات منفرد. بدین ترتیب ۶۰۰۰ جمله که هر یک حاوی یکی از واژه‌ها بود ساخته و هر جمله روی برگه جدیدی نوشته شد. مرحله مهم بعدی این بود که افرادی برای خواندن این جملات و ضبط تلفظ ایشان انتخاب شوند. خوشبختانه خواندن مقاله‌ای از دکتر علی اشرف صادقی، تحت عنوان «زبان معیار» (صادقی ۱۳۶۳: ۵۵ - ۴۵) در همان ایام، به تردیدهای نگارنده در مورد انتخاب این افراد پایان داد. در این مقاله آمده است: «نظر بعضی دیگر از زبان‌شناسان که [معتقدند] زبان معیار اغلب مبتنی بر زبان درس خوانندگان است و همان زبانی است که در محافل علمی و فرهنگی و یا مراکز سیاسی از آن استفاده می‌شود به صحت نزدیکتر است» (صادقی، ۱۳۶۳: ۴۶). مارتینه هم، همان طور که در ابتدا گفتیم، در فرهنگ خود آورده است که «تلفظ قابل توصیه را معمولاً تلفظ کسانی می‌دانند که در جامعه از بیشترین وجهه و اعتبار برخوردارند» (مارتینه، ۱۹۷۳: ۹). با نزدیک کردن نظر مارتینه و صادقی به یکدیگر می‌شد نتیجه‌گیری کرد که بهترین تلفظ قاعداً از آن کسانی است که بالاترین سطح تحصیلات را دارند، یعنی استادان دانشگاه که البته در کشور ما هم از وجهه اجتماعی بالایی برخوردارند.

پس از این نتیجه‌گیری به تعدادی استاد دانشگاه که مشخص شد همه تهرانی و دارای پدر و مادر تهرانی هم هستند و بیشترین زمان زندگی خود را در پایتخت گذرانده‌اند مراجعه شد. انتخاب شهر تهران از این رو بود که معمولاً تمرکز حکومت و سازمانهای دولتی در پایتخت به همه آنچه در آن شهر می‌گذرد اعتبار خاصی می‌بخشد. در زمینه مورد نظر هم تا آنجا که نگارنده مطلع است رسم بر آن است که تلفظ پسندیده و صاحب وجهه را باید در تلفظ دسته یا دسته‌هایی از ساکنان پایتخت جستجو کرد.<sup>۱</sup> بالآخره پس از تلاش فراوان، هفده تن از آنان به ندای ما پاسخ دادند و حاضر شدند که ۶۰۰۰ جمله را در برابر ضبط صوت بخوانند. قصد نگارنده این بود که در میان

۱. البته در کشور ما هنوز این مسئله - و مسائل بسیار دیگری در این زمینه - مورد بحث و فحص قرار نگرفته است.

این عدهٔ پاسخگو، افرادی از تمام رشته‌های دانشگاهی با آگاهی‌های مختلف از زبان فارسی وجود داشته باشند که تصویری جامع از تلفظ دانشگاهیان به‌دست آید، ولی در عمل چنین نشد و آنها که با ما همکاری کردند، چه زن و چه مرد، بیشتر درس خواندگان رشته‌های علوم انسانی بودند. پس از ضبط جملات، آوانویسی واژه‌های مورد نظر داخل جملات آغاز شد. عمدهٔ این کار را نگارنده انجام داد، ولی چند زمانی از همکاری یکی از دانشجویان ادبیات فارسی که گوش دقیقی داشت نیز بهره برد. تلفظهای هفده نفر پاسخگو برای هر واژه در صفحه‌ای نوشته شد که در واقع کارنامهٔ هر واژه بود. سپس حاصل کار، یعنی تلفظهای گوناگون برای هر کلمه روی برگهٔ جدیدی منتقل شد، آن تلفظ که متعلق به تعداد بیشتری از پاسخگویان بود در ابتدا، و سپس به ترتیب تلفظهایی که گویندگان کمتری داشت در زیر آن آمد، مانند نمونهٔ زیر:

ارجمند ص.

ardʒomand      ۱۳

ardʒmand      ۴

با استفاده از فرهنگ فارسی - فرانسه ژیلبر لازار (۱۹۹۰) تعدادی واژه دارای یک تلفظ (در حدود ۲۵۰۰۰) برگزیده شد تا به همراه واژه‌های مورد نظرخواهی قرار گرفته، به‌عنوان صورت قطعی و نهایی در فرهنگ آوایی ضبط شود. برای آنکه از ورود کلمات مهجور به فرهنگ جلوگیری شود از فرهنگ فارسی امروز (غلامحسین صدری افشار و دیگران، ۱۳۷۳) که بیشتر به کلمات معمول و مصطلح و امروزی پرداخته است کمک گرفتیم. هویت دستوری تمام کلمات هم با کمک یکی از دانش‌آموختگان رشتهٔ زبان‌شناسی تعیین شد که در کنار هر کلمه نوشته شد.

تاکنون تمام کلمات همراه با هویت دستوری آنها به رایانه داده شده است، و در حال حاضر نگارنده به نقل تلفظهای مختلف برای هر واژه - که کاری است که سریع پیش نمی‌رود - مشغول است، ولی امیدوار است بتواند تا پایان سال جاری، نسخه‌ای قابل چاپ به‌دست دهد.

این پژوهش، مسائل متعددی را مطرح می‌کند و پرسشهای گوناگونی را برمی‌انگیزد. نگارنده امیدوار است بتواند در آینده به برخی از این پرسشها پاسخ گوید و نتایجی را که خود از این پژوهش به‌دست آورده است به اطلاع همگان برساند. در اینجا به‌عنوان نمونه، پاسخی را نقل می‌کنم که نگارنده، با اندکی غلّو دربارهٔ موارد استفاده از این پژوهش به مؤسساتی که برای تقاضای همکاری و کمک مالی به آنها مراجعه کرده است داده است:

سومین سمینار زبان فارسی که به دعوت مرکز نشر دانشگاهی در تابستان ۱۳۶۵ دایر شد به‌خوبی علاقهٔ تمام ایرانیان دوستدار زبان فارسی را به توسعهٔ این زبان در کشورهای همجوار نشان

داد، و این امید را زنده کرد که با تلاش ما، دوباره زبان فارسی، مانند قرنهای پیش، عصر طلایی زبان ناقل و فرهنگی بودن خود را در عرصه‌ای وسیع تجدید کند. در این راه غیر از انجام تبلیغات و تلاش و ایجاد سهولتهای لازم، باید کار تحصیل این زبان را به کمک ابزارهای خوب و دقیق آسان ساخت: کتابهایی که شوق یادگرفتن زبان فارسی را در افراد به وجود آورد، و با بهره گرفتن از جدیدترین و مؤثرترین شیوه‌ها یادگیری را سریع و آسان کند. یکی از این ابزارها مسلماً فرهنگی آوایی خواهد بود.<sup>۱</sup>

اما چنین فرهنگی تنها برای بیگانگان نخواهد بود؛ دانشجویان، معلمان و پژوهشگران ایرانی نیز هر یک از جهتی، می‌توانند از آن بهره جویند. به‌ویژه گویندگان رادیو و تلویزیون می‌توانند با استفاده از آن تلفظهای ساختگی و غیر واقعی یا تلفظهای متروک و قدیمی را کنار بگذارند و فارسی را به آن صورت که فارسی‌زبانان درس‌خوانده امروز تلفظ می‌کنند، تلفظ کنند.

فرهنگ ما منبعی قابل اعتماد و راهنمایی مناسب و عملی برای بیمه این گروه‌هاست. این فرهنگ هرچند خرد است، اما تهیه آن آسان نبوده است. نگارنده امیدوار است با تدوین آن گامی در راه ارائه تلفظ واقعی فارسی تهرانی در نیمه دوم قرن چهاردهم هجری برداشته باشد.<sup>۲</sup>

### کتابنامه

- دهخدا، ع.، لغت‌نامه. تهران، مؤسسه لغتنامه.  
 صادقی، ع.، ۱۳۶۳. «زبان معیار»، مجموعه سخنرانیهای اولین سمینار نگارش فارسی. تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۵۵ - ۴۵.  
 صدری افشار، غ.، ۱۳۷۳. فرهنگ فارسی امروز. تهران، نشر کلمه.  
 عمید، ح. فرهنگ فارسی.  
 لازار، ژ.، ۱۹۹۰. فرهنگ فارسی - فرانسه. پاریس.  
 مشیری، م.، ۱۳۷۱. فرهنگ زبان فارسی. تهران، سروش.  
 مصاحب، غ.، ۱۳۴۵. دایرةالمعارف فارسی. تهران، فرانکلین.  
 معین، م.، ۱۳۵۳. فرهنگ فارسی. تهران، امیرکبیر.

Martinet, A., 1973. *Dictionnaire de la prononciation française dans son usage réel*. Paris, France expansion.

۱. می‌دانیم که خط فارسی به دلیل نارسایی در نمایاندن تمام آوای این زبان، مشکلات و ابهاماتی به‌ویژه برای خارجی‌ان ایجاد می‌کند. این ابهامات عمدتاً از نبود نشانه خاص برای پنج مصوت *ow*, *u*, *o*, *e*, *a* ناشی می‌شود. در واقع، خط فارسی هیچ اطلاعی در مورد مصوتهای به‌کار رفته در واژه‌هایی مانند «مثل»، «مرد»، «شست»... به دست نمی‌دهد و تنها بافت نشان می‌دهد که این کلمات چگونه تلفظ می‌شوند: [mesl], [masal] یا [mosol]; [mard] یا [mard]; [fast] یا [fost]... به علاوه در کلمات زیر، تنها یک نشانه برای نمایاندن چهار آوا به‌کار رفته است: تو [to], تور [tur], توچال [towtʃal] و باور [bavar].
۲. برای عملی کردن این طرح، نگارنده چند سالی را به مراجعه به مؤسسات مختلف فرهنگی و نوشتن طرح و پیشنهادهاى متعدد گذراند بلکه بتواند کمکی دریافت کند، اما پس از دو سال بحث و گفتگو، سرانجام شورای پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۷۱ موافقت خود را با انجام این طرح اعلام کرد و بودجه‌ای به آن تخصیص داد که در اینجا از حسن نیت اعضای آن سپاسگزاری می‌کنم.